



اثر جهل حکمی بر مسؤلیت کیفری مرتکب

تالیف:

وحید رحمتی

محمد صادقیان

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: رحمتی، وحید، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: اثر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری مرتکب/ تالیف وحید رحمتی، محمد صادقیان.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۷۱-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مسئولیت جزائی -- ایران
موضوع	: Criminal liability-- Iran
شناسه افزوده	: صادقیان، محمد، ۱۳۵۶ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶، ۳۳الف ۳۸۷۸/۲، KMH
رده بندی دیویی	: ۰۴۵۵/۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۲۵۸۳

انتشارات قانون یار

اثر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری مرتکب

تألیف: وحید رحمتی - محمد صادقیان

ناشر: قانون یار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت نسخه الکترونیکی: ۸۰۰۰ تومان

قیمت نسخه چاپی: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۷۱-۸

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول
۱۳	کلیات تبیین مسئولیت کیفری
۵۱	فصل دوم
۵۱	تبیین جهل و قاعده درء
۸۷	فصل سوم
۸۷	تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری در جرایم
۱۳۳	فصل چهارم
۱۳۳	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۳۹	فهرست منابع

تقدیم به ((پدر بزرگوار و عزیزم))

به پاس زحمات و فداکاری هایت، فروغ نگاهت، گرمی کلامت، روشنی رویت، که سرمایه های جاودانه زندگی من هستند. شما که روشنایی بخش تاریکی جان هستی و ظلمت اندیشه را نور می بخشید. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف تو را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی تو را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه محقر وجودم فروزان ساخته است.

((مادر مهربان و عزیزم))

تقدیم و سپاس بیکران بر همدلی و همراهی و همگامی مادر دلسوز و مهربانم که سجده ایثارش گل محبت را در وجودم پروراند و دامان گهربارش لحظه های مهربانی را به من آموخت. مادر عزیزم، یگانه مظهر عشق و وفا به پاس گذشت و بخششهایت که جملات، کلمات و زبان در وصف خوبی ها، الطاف و بزرگواری شما عاجز مانده اند.

((همسر بزرگوار))

که با حمایت های بی دریغش برایم راهگشا بود.

مقدمه

این کتاب به بررسی اثر جهل حکمی بر مسولیت کیفری براساس قانون جدید مجازات اسلامی می پردازد. به این سوال پاسخ می دهد که، اثر جهل حکمی بر مسولیت کیفری مرتکب در قوانین ایران در جرایم مستوجب حد، قصاص تعزیری چگونه است؟ در پاسخ حدسی به سوال بیان شده است که، در قانون مجازات اسلامی، جهل به حکم مانع مجازات نمی باشد، ولی با قید مگر اینکه نشان از استثنائی عام دارد و روح این ماده با اصول کلی حقوقی و احکام قوانین گذشته کاملاً مخالف است و در واقع رویه قضایی گذشته را نسخ کرده است بدون اینکه محدوده تأثیر جهل به حکم را هم مشخص نماید و در رابطه با جرایم مستوجب حد تأثیر عام دارد و در تمام اقسام جهل حکمی اعم از قصوری و تقصیری و اعم از جاهل ملتفت و غیر آن جاری است و در مورد جرایم مستوجب قصاص، جهل حکمی توسط قاعده درء سبب سقوط قصاص نیست، بلکه عدم اجرای قصاص می بایست توسط ادله و اصول دیگر ثابت گردد. در نهایت در جرایم موجب تعزیر، جهل به حکم رافع مجازات است به شرط آنکه جاهل، مقصر ملتفت نباشد. در این تحقیق که به روش صورت توصیفی و تحلیلی می باشد به منظور شناخت، ارزیابی و تبیین اثر جهل حکمی بر مسولیت کیفری براساس قانون جدید مجازات اسلامی می باشد. نتایج تحقیق نشان می دهد که، به لحاظ ایجابی، تأثیر جهل در رفع مسولیت کیفری، یک کار دقیق قضایی است که باید در پذیرش آن به قدر متیقن اکتفا گردد. تعیین تأثیر جهل به حکم، از مسایل مهم و اساسی در روابط فردی و اجتماعی، ملی و حتی بین المللی است و هر چند به نظر می رسد عدم تأثیر جهل به قانون امری مسلم و قطعی نباشد، ولی باید پذیرفت که اگر قانونگذار به صرف ادعای افراد، نسبت به جهل اطلاع از قانونی معین، این ادعا را از سوی آنان بپذیرد، تشویش و آشفتگی نظام دادرسی قضایی و به تبع آن جامعه را در بر می گیرد و دیگر هیچ موضوعی قابل اثبات نیست و در نتیجه کمتر ذی حقی به حقتش رسیده و در نهایت، اجرای اکثر احکام مراجع قضایی تعطیل می شود. مفهوم جهل به رغم اهمیت و شیاعش کمتر مورد اعتنا قرار گرفته است. تبیین این مفهوم در حوزه های



متعددی از حقوق و علوم مرتبط منشاء اثر است. جهل از چند جهت دارای اقسامی است. مهمترین این اقسام به لحاظ ماهوی جهل بسیط و جهل مرکب است. مفهوم اصطلاحی هر یک از این دو جهل را بدون بررسی مفهوم لغوی آن دو نمی توان بررسی کرد. جهل بسیط که اعم از جهل مطلق، و هم (احتمال کمتر از نصف)، شک (احتمال پنجاه درصد) و ظن (احتمال بیش از نصف) می باشد به سادگی یعنی فقدان علم و علم به فقدان علم. این در حالی است که جهل مرکب نه تنها وهم و شک را در بر نمی گیرد و از این جهت با جهل بسیط متفاوت است بلکه فرد جاهل حتی از فقدان علم خود نیز مطلع نیست. در واقع قدر متقین جهل فقدان علم است لیکن در جهل مرکب فرد مدعی علم است در حالی که در جهل بسیط وی چنین ادعایی ندارد. بنابراین رابطه میان جهل و جهل مرکب (اشتباه) و نیز جهل بسیط (اعم از شبهه و ظن و وهم و جهل مطلق) از جهت لغوی عموم و خصوص مطلق است .

در حقوق کیفری، لازمه اعمال مجازات بر عاملین اعمال مجرمانه، وجود مسئولیت کیفری است. وجود مسئولیت کیفری فرع بر تحقق جرم و مبتنی بر تحقق شرایطی است. تحمیل کیفر بر مجرم مستلزم آن است که مجرم از نظر جسمی و روانی و رشد و اهلیت در وضعیتی باشد که قابلیت انتساب نتیجه مجرمانه به او وجود داشته باشد. اگر کسی نسبت به احکام و یا موضوعات آن جاهل باشد و عمل مجرمانه‌ای را مرتکب شود، آیا به دلیل عدم قابلیت انتساب مبری از مسوولیت کیفری می‌باشد یا خیر؟ در نظام کیفری اسلام جهل چه تاثیری بر مسوولیت کیفری دارد؟ در حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران، مرتکب جاهل چه حکمی دارد؟ در حقوق جزای عرفی، قلمرو تاثیر جهل حکمی و موضوعی بر مسئولیت کیفری شناسایی شده و قاعده جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست مورد پذیرش واقع شده است در حقوق اسلامی، ادله و مستندات فقهی مبنی بر تاثیر جهل بر مسوولیت کیفری به دو دسته تقسیم می‌شود که دسته اول از آنها دلالت بر تاثیر جهل بر مسوولیت کیفری و دسته دوم دلالت بر عدم تاثیر جهل بر مسوولیت کیفری دارد که ماحصل جمع بین آن دو دسته از دلایل این می‌شود که از دیدگاه اسلامی جهل رافع مسوولیت کیفری نیست مگر اینکه جهل قصوری



باشد قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در مواد عمومی (۶۲ ماده اول قانون) نسبت به جهل و تاثیر آن ساکت است اما در کتاب حدود، قصاص و تعزیرات و مجازات بازدارنده این قانون، جهل به عنوان یکی از عوامل موثر معرفی شده است. قانونگذار در بخش حدود صرفاً در حد زنا، مسکر و سرقت سخن از جهل به میان آورد، در حالی که ضرورت داشت در بقیه جرایم مستوجب حد، نیز حکم قضیه را بیان می‌کرد. علاوه بر آن قانونگذار می‌بایست بین جهل تفصیری و قصوری فرق قائل می‌شد و حکم هر یک از آن دو را معین می‌نمود. در کتاب قصاص، حکم کلی جهل و مقدار تاثیر آن بیان نشده است اما جهل موضوعی در بند ج مواد ۲۰۶ و ۲۷۱ و نیز در مواد ۲۲۶، ۲۹۵، ۲۹۶ مورد عنایت واقع شده است. در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن به جهل حکمی اختصاص دارد و چنین مقرر شده است که، جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود. در تبصره آن آورده شده که: جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست .

فصل اول

کلیات تبیین مسؤلیت کیفری

۲-۱ تبیین و تحلیل مسولیت کیفری

حقوقدانان معتقدند که پس از انتشار قانون در روزنامه رسمی و با انقضاء مدت ۱۵ روز این قانون لازم الاجرا است و دیگر ادعای بی اطلاعی از آن پذیرفته نمی شود. یکی از اصول مسلم و جا افتاده در نظام قضایی این است که جهل به قانون رافع مسؤلیت کیفری نیست. مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از گذشت مواعد قانونی برای همه لازم الاجراست اعم از اینکه تبعه ایران باشند یا مقیم یا خارجی هایی که وارد خاک ایران می شوند و اعم از اینکه عالم باشند یا جاهل آگاهی به قانون داشته باشند یا نه قابل اجراست. اما هیچ قاعده عامی نیست که استثنا نداشته باشد جهل به قانون هم در برخی موارد استثنایی پذیرفته شده است. مسؤلیت کیفری و مجازات، سه ضلع طلایی حقوق کیفری است. اعمال مجازات به احراز مسؤلیت کیفری و احراز آن به احراز مجرمیت منوط است. مجرمیت، دو جنبه مادی و روانی دارد و تا زمانی که آن دو احراز نگردد، محقق نمی شود، اما مسؤلیت کیفری، جنبه موضوعی و مادی ندارد، بلکه جنبه کاملاً شخصی و روانی دارد. سن، عقل، آگاهی و اختیار، ارکان مسؤلیت کیفری است.

۲-۱-۱ تبیین و تحلیل مسولیت

در تعریف این کلمه از منظر مدنی، جزا، حقوق اداری به معنای مأخوذ، مواخذ، مورد بازخواست و منوچهری آن را گرفتار ترجمه کرده است که دقیقاً ترجمه مأخوذه و مواخذ است. فردوسی لغت آویخته را به جای مسئول بارها به کار برده است. (منابع دیوان منوچهری) مسولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است. (معین، ۱۳۸۱) و مسول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد، که اگر از ادای آن سرباز زند از او بازخواست می شود. بنابراین مسولیت همواره با التزام همراه است. در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می گوید. در برابر او مسولیت مدنی دارد یا ضامن است. این قاعده عادلانه از دیر باز وجود داشته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۳) در فرهنگ فارسی معین نیز مسوؤلیت به معنای مسوؤل یا موظف به انجام کاری و مسول در دو معنا به معنای چیز خواهش شده (مفعولی)، یا کسی که فریضه ای بر ذمه دارد که اگر بر آن عمل نکند بازخواست شود



(فاعلی) تعریف شده است. (اردبیلی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۷) همچنین می توان گفت: مسولیت یعنی آنچه انسان عهددار و مسول آن باشد از وظایف، اعمال و افعال می باشد. (عمید، ۱۳۶۳: ۱۰۸۲) مسولیت عبارت است از، وضعیت و شرایطی که شخص را مطابق قانون در مقابل فعل یا ترک فعل پاسخگو قرار می دهد. این پاسخگویی ممکن است حاصل فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین موضوعه کیفری یا تخلف از قرارداد و یا تخطی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. (دیوسالار، ۱۳۸۰: ۴۶) مسولیت به معنای اصطلاحی در حقوق نیز از وجه تسمیه لغوی آن دور نیفتاده و به معنای لزوم پاسخگویی اشخاص در قبال اقدامات خود در برابر جامعه و دیگران است و در تعریف مسولیت گفته اند: ((مسولیت عبارتست از وجود تعهد به انجام یا عدم انجام کاری و تحمّل آثار و ضمانت اجرایی های مقرر در صورت نقض این تعهد)). (سلیمی، ۱۳۷۶: ۱۸) یا اینکه ((مسولیت یعنی تعهد به پاسخگویی به نتایج حاصل از عمل خود)). (افراسیابی، ۱۳۷۷) در کتب حقوقی تقسیم بندی های مختلفی از مسوولیت نظیر مسولیت اخلاقی و قانونی (حقوقی) صورت گرفته است. رایج ترین این تقسیم بندی ها، تقسیم مسولیت به مسولیت مدنی، کیفری و انتظامی است؛ مسولیت مدنی خود به مسولیت قراردادی و مسولیت غیر قراردادی تقسیم می شود و در هر حال هدف کلی آن جبران زیانی است که بواسطه نقض مفاد قرارداد یا ایراد ضرر به اموال کسی وارد آمده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۱۳) مسولیت انتظامی نیز به مسولیت در برابر خطای انتظامی که ناشی از نقض وظایف اداری یا صنفی است می پردازد. در نهایت مسولیت عبارت است از: پاسخگویی به تخلفاتی که شخص نسبت به تعهدات و وظایف خود مرتکب شده، چه این تکالیف و تعهدات حقوقی باشد یا رنگ اخلاقی و مذهبی داشته باشد. (صفر، ۱۳۷۳: ۴۴۹) به نظر می سد با تعاریف ارائه شده مسولیت به معنی پرسیده شده و خواسته شده آمده و غالباً به مفهوم ((تکلیف و وظیفه و آنچه که انسان عهده دار و مسؤل آن باشد)) تعریف شده است. این معنی به تنهایی نمی تواند مفاهیم گوناگون مسولیت را بیان نماید. برای درک مفهوم واقعی مسولیت از جهات



گوناگون، علاوه بر وجود تعهد و تکلیفی که از طرف مقام صلاحیت دار وضع و برقرار می شود، عوامل و شرایط دیگری را نیز باید در نظر گرفت که عبارتند از:

- وجود وظیفه در انجام یا خودداری از انجام عملی: که خود این وظیفه ممکن است در اثر مقررات قانونی و یا روابط اجتماعی به وجود آمده باشد.

- اطلاع و آگاهی از وجود وظیفه: زیرا مطلقاً نمی توان شخصی را که نسبت به وظیفه خود آگاهی ندارد، مسئول شناخت. عدم اطلاع از وجود وظیفه ممکن است معلول نقص قوای عقلانی و عاطفی و یا نقص تربیت اجتماعی باشد و یا عملاً وجود وظیفه و محتوای آن به شخص موظف اطلاع داده نشده باشد.

- توانایی در انجام وظیفه: عجز و ناتوانی فرد موظف در انجام وظیفه هم ممکن است به علت عوامل شخصی یا اجتماعی باشد.

۲-۱-۲ سابقه مسئولیت کیفری

در ایام باستانی، مسئولیت کیفری به آن معنی که امروز مورد نظر است، مطرح نبود، در آن ایام ارتکاب مادی عمل، صرف نظر از خصوصیات مرتکب، وی را در معرض مجازات قرار می داد؛ به این توضیح که هر گاه شخصی مرتکب جرمی می گردید، خواه از سلامت عقل بهره مند باشد یا خیر، مستحق مجازات بود. حتی در بسیاری موارد، مجازات جرایم غیر عمدی شبیه به جرایم عمدی بود. حتی بعضاً برای مردگان، حیوانات و جمادات نیز قائل به مسئولیت و کیفر بودند. (محسنی، ج ۳، ۱۳۷۶: ۵) حتی در واقع، ((در مراحل نخستین زندگی اجتماعی،

مجازات واکنشی بود که صرفاً برای رفع ألم و ناراحتی ناشی از رفتاری خاص ابراز می شد و لاجرم تمایزی بین منشأ پیدایش درد و ألم در انواع گوناگون آن قائل نمی شدند، این منشأ در هر حال موضوع مجازات قرار می گرفت و در برابر رفتاری که به نحوی در ایجاد درد و ألم مؤثر بود مسوولیت کیفری داشت، فارغ از اینکه انسان یا حیوان یا حتی جماد باشد. در مراحل پیشرفته تر، مجازات به عکس العملی در برابر زیان ناشی از یک رفتار معین تبدیل شد؛ در این مرحله بشر یک گام فراتر گذاشت و مسوولیت کیفری یک موجود را بر مبنای نوع



و میزان خسارت مالی یا جانی که از ناحیه او بهم می رسد معین ساخت. مسولیت یا همان تحمل مجازات در برابر رفتار معین، در این دو مرحله تاریخی صرفاً ماهیتی مادی و عینی داشت؛ یعنی یک موجود تنها به این سبب که منشأ الم یا زیان و خسارت بوده مجبور به تحمل مجازات می شد.)) (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۲۳)

حقوقدانان، بطور کلی دوره مسولیت کیفری را به سه دوره جنگ های خصوصی یا دوره انتقام فردی، دادگستری خصوصی و دادگستری عمومی تقسیم می کنند. (صانعی، ۱۳۷۴: ج ۱ و ۲: ۴۵) به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان در دوره جنگ های خصوصی اصل کلی انتقام حاکم بر روابط افراد بوده و در واقع این حس انتقام جویی بوده است که اساس مسولیت کیفری را شکل داده است. با این حال عده ای نیز بر این اعتقادند که صرفاً حس انتقام نبوده که مسولیت کیفری را ایجاد کرده است، بلکه ((مطالعات تاریخی نشان می دهد که در قدیمی ترین قواعد موجود از قبیل قوانین هند و مصر قدیم، موادی درباره امور کیفری و مجازات متخلفان و مجرمان وجود داشته است و حتی در پاره ای از امور، بدون داشتن مدعی خصوصی و یا اینکه جرم متوجه شخص خاصی باشد مجازات هایی در نظر گرفته شده بود. بعلاوه وقتی پدر یا رئیس خانواده به تنهایی یا به همراه ریش سفیدان قبیله در صدد تنبیه یا مجازات یکی از فرزندان و یا افراد خانواده خود بر می آمد، به هیچ وجه نمی توان ادعا کرد که منظور پدر یا رئیس خانواده از تنبیه خود بر می آمد، به هیچ وجه نمی توان ادعا کرد که منظور پدر یا رئیس خانواده از تنبیه و مجازات فرد خاطی، اجرای انتقام شخصی بوده است.)) (محسنی، ج ۳، ۱۳۷۶: ۱۳۴) در این دوره مسولیت همگانی و جمعی بوده و در واقع شخصی بودن مسولیت کیفری در آغاز تمدن بشری قاعده ای لازم الرعایه نبوده و چه بسا به واسطه قتل یکی از اشخاص قبیله، تمامی افراد قبیله مقابل به قتل می رسیدند. از سوی دیگر هیچ گونه تناسبی بین جرم و مجازات وجود نداشته و در بسیاری موارد در قبال ارتکاب خلافی کوچک، مرتکب به مجازاتی صعب دچار می شد. ((بعدها که جنگ های متعدد قبایل را در هم ادغام نمود و دولت در شکل ابتدایی اش پدیدار گشت و قدرت دولت جایگزین قدرت قبیله و رئیس



خانواده شد، حقوق جزا دستخوش تحوّل و تکامل گشت و قاعده تناسب بین جرم و مجازات و قاعده مسولیت شخصی جایگزین اندیشه و انتقام و مسولیت جمعی شد و بنیاد مسولیت کیفری را دگرگون نمود. (دلفانی، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۷) یعنی در واقع با ایجاد نهادهایی چون اخذ غرامت، دیه و قصاص که مبتنی بر سازش طرفین بود و تأثیری که افکار و اندیشه های مذاهب مختلف بر شخصی بودن مسولیت و تناسب مجازات ها داشتند، رفته رفته دایره انتقام گیری و دادگستری خصوصی بین افراد و قبایل محدود شده و با قدرتمند شدن دولت های و ظهور حکومت های قوی به آنها پایان بخشیده شد. با ورود عنصر تقصیر به نهاد مسولیت کیفری، مسولیت کیفری، مسولیت معنوی و شخصی هم رسماً به قلمرو حقوق جزا وارد شد و عرصه را بر مسولیت مادی و عینی تنگ و محدود ساخت. تقصیر در آغاز تنها در قالب سوء نیت (تقصیر عمدی) شناخته می شد و لاجرم مسولیت کیفری هم خاص جرایم عمدی بود؛ اما رفته رفته این عنصر اشکال و قالب های جدیدتری چون خطای جزایی (تقصیر غیر عمدی) و عمد متجاوز از قصد و سوء نیت احتمالی را پذیرفت و بالتبع به مسولیت کیفری تنوع و تکثر بیشتری بخشید. در حال حاضر این رابطه تنگاتنگ تا آنجا اهمیت پیدا کرده که واژه مسولیت کیفری فارغ از هر نوع مجاز و مسامحه در اهلیت جزایی بکار می رود و در بسیاری از متون حقوقی و قانونی مراد از فرد مسول کسی جز همان شخص دارای اهلیت جزایی نیست.)) (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۱۴) شاید آنچه بیش از پیش موجبات تحوّل و تغییر را در خصوص مسولیت کیفری در سده های اخیر سبب گردیده، دو عامل عمده بوده است، یکی پیدایش مکاتب فلسفی حقوقی، خصوصاً مکاتب کلاسیک و تحقیقی و آموزه های آنها که بر حقوق کیفری تأثیری عمده نهاده اند و دیگری تحولات اجتماعی پس از عصر صنعتی شدن که ضرورت تحولاتی خاص را در حوزه مسولیت به همراه آورد؛ مکاتب فلسفی که بیشتر از دوره رنسانس به بعد ظهور کرده اند و در قرن هجدهم و نوزدهم به اوج خود رسیدند، با نحوه نگرش خود تأثیر عمده ای بر مسولیت کیفری نهاده و تعاریف مختلفی را از آن سبب گردیده اند؛ برخی از این مکاتب که پرچم دار آن اندیشمندان مکتب کلاسیک در حقوق کیفری هستند با مختار تصور کردن انسان و قائل